

## گفت‌وگو



کارگردان مجموعه «خوش آمدید»:

## همدلی مردم ایران و پاکستان را در سایه ازبعین روایت می‌کنم

■ **سیدحمید رضا طباطبایی**

چندی است استان سیستان و بلوچستان به سبب ورود زائران پاکستانی که قصد عزیمت به عتبات عالیات را در ایام منتهی به ازبعین حسینی دارند، به دروازه شرقی ورود به کربلا شهرت یافته است؛ شهرتی که ماندگار نخواهد بود، جز با خدمت خالصانه خادمان حضر تش که در گوشه‌گوشه استان پهناور سیستان و بلوچستان به برپایی مواکب و خدمت‌رسانی در امور مختلف به میهمانان امام حسین(ع) می‌پردازند، از این رو حوزه هنری سیستان و بلوچستان با هدف روایت و به تصویر کشیدن گوشه‌های از این اقدامات وسیع، اقدام به ساخت مجموعه کرده‌روایت‌های «خوش آمدید» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی محمد مهدی خالقی کرد. این کرده‌روایت‌ها در شش قسمت از خدام شیعه و سنی استان با عنوان مجموعه‌روایت «خوش آمدید» گردآوری شده‌است که رویدادها، فعالیت‌ها و خاطرات خدام شیعه و سنی زائران پاکستانی ازبعین را با محوریت یکی از خدام و سا‌مخضور وی در مکان‌های مختلف فعالیتش، از زبان وی روایت می‌کند. به همین منظور در ادامه به گفت‌وگویی با محمد مهدی خالقی، تهیه‌کننده و کارگردان این اثر می‌پردازیم. ■ ■ ■

**ایده اصلی ساخت کرده‌روایت‌های خوش آمدید چه بود و چرا قه ساخت این اثر را کجا آمد؟**

ایده اولیه خرده‌روایت‌ها مربوط به چندین سال قبل است؛ درست از زمانی که فهمیدم استان سیستان و بلوچستان پذیرای زائران پاکستانی شده است و بالاخره بعد از چند مرتبه از تباط گرفتن و تلاش، در سال ۱۳۹۷ برای آموزش فیلمسازی مستند به جوانان پاکستانی به زاهدان آمدم و در محل استقرارمان که زائران‌سرای امام (رضاع) بوده، بیش از نیمی من را با این مسئله درگیر کرد تا اینکه بالاخره در سال ۱۴۰۱ با داشتن طرح ذهنی قبلی و با پشتیبانی و حمایت حوزه هنری سیستان و بلوچستان شرایط برای ساخت این مجموعه خرده‌روایت‌ها مهیا شد.

**دغدغه‌ها یا پیشامدهایی قبل یا حین کار داشتید؟**

**چطور از پس آنها برآمدید؟**

بله، سال گذشته مسائل مهمی مثل عدم‌صدور روادید از سوی عراق برای زائران پاکستانی و همچنین وقوع سیل مهیب در کشور پاکستان سبب شد تا آمدن پاکستانی‌ها به کشور با فراز و نشیب همراه شود؛ هم به لحاظ تعداد و هم به لحاظ زمان ورود به ایران. اما به رغم همه اینها فضایی کار برای تیم تولید ما فضای خوبی بود و توانستیم سوزه‌ها را پیدا کنیم. ایده اصلی ما پرداختن به موضوع خدام‌الحسین(ع) در استان بود که تلاش شد سوزه‌های مختلفی اعم از بانوان و آقایان، پیر و جوان، شیعه یا سنی پیدا کنیم که به شش‌روای رسیده‌یم و هر راوی با زاویه دید و بستر زندگی خودش خدمت‌رسانی به زائران را روایت می‌کند. در واقع از آنجا که این مستند، اولین مستندی بود که به موضوع میزبانی مردم سیستان و بلوچستان از زائران پاکستانی می‌پرداخت، سعی کردیم روایتی مردمی و از دل جامعه ارائه دهیم.

**فضای ازبعین را در استان سیستان و بلوچستان و مخصوصاً در مواجهه با خدام‌الحسین(ع) چگونه دیدید؟**

به نظر من این فضای می‌تواند نویدبخش یک اتفاق بزرگ در آینده باشد، اما هنوز مسئله پذیرش و میزبانی مردم سیستان و بلوچستان از زائران پاکستانی، موضوع چالتهاده‌ای نیست که به نظر من یکی از علل آن نبود یک ستاد یا گروه هماهنگ‌کننده ثابت و واحد در میدان می‌تواند باشد. به عنوان مثال سال گذشته یکی از مشکلات عدم اطلاع کافی از آمار و چند و چون ورود زائران به کشور بود، گمانی‌کنه این مشکلات تا حدودی در سال جاری هم مشاهده می‌شود، در نتیجه یکی از راهکارهای کارساز می‌تواند همان وجود یک گروه ستادی واحد و هماهنگ‌کننده با برنامه مشخص باشد. در خصوص راندیدم که به این خدمت به چشم وظیفه‌سازمانی نگاه کند خدام‌الحسین(ع) نیز آنچه من دیدم این است که این بزرگواران تا حدودی در سال جاری هم شاهد می‌شود، در نتیجه یکی از راهکارهای کارساز می‌تواند همان اختصاص یافته‌که در آن مردم و همه چشم به عتبات امام حسین(ع) دارند و با خلوص نیت خدمت‌رسانی می‌کنند.

**فضای کلی و خط‌مشی این خرده‌روایت‌ها را به لحاظ موضوع و محتوا توضیح دهید.**

مضمون کلی مجموعه «خوش آمدید» این است که به همدلی و بیوستگی مردم دو کشور ایران و پاکستان در مواجهه با نهفت ازبعین حسینی اشاره کنیم، بنابراین اسمی را برای این مجموعه انتخاب کردیم که در هر دو زبان فارسی و اردو به یک شکل نوشته می‌شود و معنای مشترکی دارد. هدف ما این بود که بگوییم مردم ایران هم مثل مردم عراق کربمانه و بسا روی باز و با تمام انگیزه و تلاش خودشان سعی می‌کنند این مسیر واسط بین زائران پاکستانی و عراق را به بهترین شکل مهیا کنند.

**سخن پایانی.**

امیدواریم این مشکلات کوچک در سال‌های آینده به نحوی رفع شود تا این طریق‌الحسین(ع) که چندین هزار کیلومتر از مرزهای هندوستان تا کربلای معلی برقرار شده است روزبه‌روز تقویت شود و این مسیر ادامه پیدا کند؛ از هند ما بگذرد و به خاور دور و شرق آسیا برسد و یک مسیر درخشان باشد برای زائران امام حسین(ع) به قلب عالم امکان، کربلای معلی، آن شاه‌الله.

## گزارش یک

روایت زائری که در جست‌وجوی سعادت به واسطه عشق سیدالشهدا(ع) بود

# «میرجاوه» باب‌الرضای حرم امام حسین (ع)



■ **سیدحمیدرضا طباطبایی**

شهرستان میرجاوه در استان سیستان و بلوچستان و در منطقه سرحد بلوچستان در ۸۵کیلومتری جنوب‌شرقی شهر زاهدان واقع شده است. گذرگاه مرزی میرجاوه شرقی‌ترین دروازه ورودی ایران و مرزی قانونی در جنوب‌شرق کشور است که رفت‌وآمد گردشگران خارجی و داخلی از این معبر صورت می‌گیرد. چندسالی می‌شود سیستان و بلوچستان به واسطه مرز مشترک با کشور پاکستان، در ایام ازبعین حسینی به دروازه شرقی ورود به کربلا مبدل شده‌است و دوستداران ابعیدالله‌الحسین(ع) از کشور پاکستان از طریق این استان و مخصوصاً از پایانه مرزی میرجاوه وارد ایران می‌شوند و با سه طریق‌الحسین(ع) می‌گذرانند. امسال هم میرجاوه نقطه آغازی بود برای سفر به کربلای معلی و زائر‌سرای امام (رضاع)؛ در سه کیلومتری و پایانه مرزی میرجاوه با محیطی وسیع و آرام همراه با ۲۰مواکب مردمی و اجتماع خدام‌الحسین(ع) که به قول خودشان آنجا باب‌الرضای حرم امام

می‌گفت: من در جست‌وجوی راهی برای رسیدن به

سعادت و رستگاری واقعی از طریق یک مسیر متفاوت بودم. یک راه بسیار کوتاه و مستقیم که کاملاً رنگی نو به زندگی من ببخشد!

می‌گفت: من در یکی از روستاهای منطقه پنجاب پاکستان زندگی می‌کنم (سرگودا). با پدر و مادر و هشت خواهر و برادر دیگر (بنح تا خواهر و سه تا برادر).

# فرهنگی

فرهنگی ۶۰۰۲۳۰۸۸۵



حسین(ع) است، پذیرای قریب ۲۲هزار نفر پاکستانی بود که فقط از طریق مرز میرجاوه برای سفر به کربلا وارد جمهوری اسلامی ایران شده بودند. سیستان و بلوچستان از دو پایانه مرزی میرجاوه و ربمندان (چابهار) پذیرای زوار پاکستانی است که آمار ورود زائران مرز ربمندان متفاوت می‌باشد. به همین منظور حوزه هنری سیستان و بلوچستان نیز بر آن شد برای روایت هر چه بهتر قصه این میهمانان عزیز و اشاعه آن نزد آحاد مردم، دوره روایتگری ویژه میزبانی از زائران پاکستانی در استان سیستان و بلوچستان را برگزار کند که طی آن روایت‌نویسی، آموزش عکاسی، تدوین و فیلمبرداری با موبایل و آشنایی با پاکستان به شرکت‌کنندگان آموزش داده شد. این دوره که با استقبال علاقه‌مندان همراه شده بود، در روز پایانی خود تجربه سفر به پایانه مرزی میرجاوه و زائر‌سرای امام (رضاع) را به همراه داشت. در ادامه روایت عبدالغنی ملکش‌زاده یکی از افراد حاضر در این دوره و از سفر به مرز میرجاوه و مواجهه با زائر پاکستانی امام حسین(ع) می‌خوانیم.



آینده باجان و مادرم را هم با خودم بیاورم. امروزه خیلی‌ها که از من بزرگ‌ترند برای لاف‌زن از پله‌های کامیابی‌مشکلی ندارند، آنها پول، ثروت و قدرت دارند و از لحاظ دنیایی از من غنی‌تر هستند. منظور من این است که من هم در تلاش بوده و هستم که راهی پیدا کنم که بتوانم به وسیله آن به خدا نزدیک‌تر شوم، ولی ذهنم می‌گوید آنقدر جوان هستم

یادروز تاسوعای ۱۲۵۵قمری و اخراج ژنرال انگلیسی توسط بوشهری‌ها

# بازخوانی مسئله‌محور، هویت تاریخی بوشهر



بار در همکاری با گروه تحقیقی «رسانه‌ای نخل و برنو، تلاش کرده‌است دو اثر مستند و مسئله‌مند بیافریند و یکی‌گام در این مسیر به جلو بردارد.

اولین سخنران مراسم سیدحسین صافی، چهره ماندگار هنر استان بوشهر-سا بیان اینکه فعالان حوزه مستند در کنار تأمل عمیق به روش‌های ارائه واقعیت، خلق مضمون را هم در دستور کار قرار دهند و خلاقیات‌شان را در هر دو زمینه به کار گیرند، گفت: «تاریخ جنوب - و به ویژه استان بوشهر- آکنده از مقاومت در برابر متجاوزان است و از این منظر، منبعی بسیار غنی برای تولید آثار داستانی به شمار می‌رود.» پس از آن دو اثر نقاشی محمدعلی نادری با عناوین «تاسوعای تاریخی بوشهر» و «وردروو با شیطان» رونمایی شد و ایشان درباره آثارش توضیحات مختصری ارائه کرد. این آثار به واقعه تاریخی مهم و کمتر شنیده‌شده‌ای اختصاص یافته‌که در آن مردم بوشهر ژنرال بلندپایه انگلیسی، سر فردیک میتلند را با وضع خفت‌باری از ساحل کوتی اخراج می‌کنند

و سپس با حضور باقرخان و نیروهای تنگستانی، با سنگربندی اسکله از هجوم مجدد انگلیسی‌ها جلوگیری می‌کنند. نادری به دغدغه‌های شخصی‌اش درباره هویت و تاریخ جنوب اشاره و اضافه کرد که پیش از این آثار از رانابر همین دغدغه شخصی تولید کرده بوده‌است اما این انگیزه‌ها، چالش‌های کارش پرداخت.

آینده باجان و مادرم را هم با خودم بیاورم. امروزه خیلی‌ها که از من بزرگ‌ترند برای لاف‌زن از پله‌های کامیابی‌مشکلی ندارند، آنها پول، ثروت و قدرت دارند و از لحاظ دنیایی از من غنی‌تر هستند. منظور من این است که من هم در تلاش بوده و هستم که راهی پیدا کنم که بتوانم به وسیله آن به خدا نزدیک‌تر شوم، ولی ذهنم می‌گوید آنقدر جوان هستم

که نمی‌توانم از پله‌های بزرگ کمال بالا بروم، به همین دلیل تصمیم گرفتم راهی پیدا کنم و به کمال برسم. می‌گویند: راه حسین، راه حسین، راه حسین... و می‌زند زیر گریه. ناگزیر من هم متأثر می‌شوم و ناخودگاه‌اشکم می‌چکد و گریه‌ام نام نمی‌دهد.

اینجا گفته‌های جوانی است که مسیری طولانی را در گرمای تابستان و شرایط سخت پاکستان برای رسیدن به زائر‌سرای امام (رضاع) پشت سر گذاشته بود. او فقط ۲۴سال سن داشت و یکی از زائران اربعین امسال بود. او چگونه توانست به این تفکر و مسیر دست یابد؟ «با انجام کارهای کوچک با خلوص، عشق و توجه»؟

او می‌گفت: به جای تمرکز بر لهو و لعب دوران جوانی، باید‌الله را جست‌وجومی کردم و شروع کردم به خدمت به با‌باجان و مادر جان. مسجد رقتم، کفش‌ها را جفت می‌کردم، جارو می‌زدم، سروسری‌های پهداشتی را نظافت می‌کردم و برای نمازگزاران جانماز تیاردر زینان اردو به آماده کردن می‌گویند (تیار) می‌کردم!

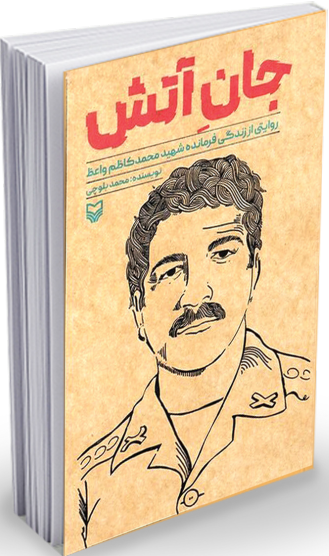
این زائر اربعین حسینی حتی در مورد میزان مراقبت از گرفتار، کردار و رفتار‌هایش می‌گفت که این کار را با عشق و توجه کامل انجام می‌دهد، طوری که در زندگی‌اش با خدمت به محبان امام حسین(ع) در پاکستان خود را در زمانه امام حسین(ع) می‌بیند.

گفت که همیشه آرزوی من این بوده که عازم سفر کربلا شوم و خادمی آن حضرت را انجام دهم، اما همیشه احساس می‌کردم مسیر خیلی دور است و من کجا و کجا؟ اما کجا؟ می‌خواستم دانه‌های شنی صحرای کربلا شوم که زیر پای زوار لگدمال می‌شوند و باز گریه‌ام‌اش نمی‌دهد.

چگونگی یافتن راه سعادت این جوان برایم زیبا بود. بعد از تمام‌شدن گفت‌وگوی دوستانه مادر محل نمازخانه برداران زائر‌سرای امام (رضاع) از او خداحافظی کردم، چون هم موقع نهار بود و هم موقع بازگشت ما و هم‌ا‌ه‌ان به سمت زاهدان.

ذهنم در گیرش بود، یعنی می‌شود با انجام کارهای عادی و تحمل سفری چندین‌روزه با هزینه خودت از پاکستان به کربلا برسی؟!

به خودم گفتم: حتماً! با توجه به کمال و از خودگذشتگی به پاسویی حرم آقا امام حسین(ع) می‌توان رسید. خودم بیچاره و جا‌رو بونی، آب سرد برسانی، هندونه‌قاج کنی یا دانه‌ای خرما تقدیم زوار آقا امام حسین(ع) بکنی یا هر کار معمولی دیگری باید همه کارها را با عشق انجام داد، لغزش بی‌توجهی، کم‌کاری یا سبک‌دانستن در این راه معنا ندارد، چرا‌که معتقدم عشق به الله و امام حسین(ع) در کارهای اینچینی است.



## سبیل عطر، ارتش

■ **زینب‌فرزنده**

سبیل و عطر، از خواهر و برادر و همسر بگیر تا دوست و آشنا و همکار، هر کس که از کاظم می‌گوید، سبیل پرپشت و عطرش را فراموش نمی‌کند. انگار که این دو به عنصر جدایی‌ناپذیر از کاظم و قدر‌مسترک تمام روایت‌های منتهی به او بدل گشته‌اند و حالا بنده مورد‌سومی را هم به این لیست اضافه می‌کنم؛ چیزی که لابه‌لای روایت‌های دوست و آشنا دیده نمی‌شود، ولی احتمالاً شما هم با دیدن تصویرش، این مورد سوم را تأیید می‌کنید. چشم‌های محمد کاظم عجیب است؛ چشمانی که محبس حرف‌های ناگفته‌اند و عشق‌شان هر نگاهی را غرق می‌کند.

همان چشم‌هایی که در ۱۶ادی ماه ۱۳۳۱ اولین نورچشمی پدر بزرگ خانواده، آیت‌الله مهدی واعظ‌شیراز، محمد کاظم مفت سال قبل از انقلاب با دیپلم متوسطه، پرورنده تحصیلات ابتدایی‌اش را به برانجام رساند و راهی دانشکده افسری شد و در همین زمان حرف و سخن بود که از گوشه‌کنار به گوش خانواده می‌رسید که مگر نوه آیت‌الله و فرزند یک روحانی، از تسی می‌شود؟! و از این دست چهل‌کلاغ‌های مرسوم، اما محمد کاظم تصمیمش را گرفته بود و در نهایت نیز ثابت کرد که به بله، می‌شود هم از نشی باشی و هم نوه آیت‌الله! چهار سال بعد از ورود به دانشکده، فارغ‌التحصیل شد و به گروه ۵۵توپخانه اصفهان پیوست. دو سال قبل از جنگ به خانه بخت رفت و در نهایت نیز در زمانی که جنگ آخرین نفس‌های خودش را می‌کشید، زمین را به مقصد عبدالله ترک کرد.

حال قرار است شهید محمد کاظم واعظ را از دریچه قلب محمد بلوچی به تماشا بنشینیم. «جان آتش» هشت روایت از زندگی شهید است که در ۱۶۴صفحه گردآوری شده و از سوی انتشارات سوره مهر نیز به چاپ رسیده است. نویسنده درباره سبک و سیاق روایت‌ها می‌گوید: «در این اثر روایت‌هایی از نزدیکان کاظم نقل شده است؛ روایت‌هایی متناسب با حال و هوای افراد و اطلاعات و مستندات موجود، به گونه‌ای که لحن نثر برآیند روایت‌های گوناگون باشد.»

از این هشت روایت، در دو روایت هم‌زمان، دو روایت خواهران، یک روایت همسر و در دو روایت برداران شهید راوی هستند و به همین علت در اثر، بیشتر از اینکه فضای جنگ و اتمسفر مباحث نظامی غالب باشد، فضای خانواده و ارتباطات خانوادگی با شهید غلبه پیدا کرده است، البته احتمالاً ایجاد شخصیتی خود شهید نیز در این نابربری روایات دخیل است، چرا‌که متفق‌القول در لابه‌لای روایات اعضای خانواده شهید واعظ این موضوع به چشم می‌خورد که خود شهید هم خیلی اهل صحبت کردن درباره مسائل جنگ و جزئیاتش نبوده است، برای مثال محمد مهدی برادر شهید در بخشی از کتاب می‌گوید: «آخرین باری که دیدمش خستگی داشت توی صورتش داد می‌زد... با این حال، درباره خاطرات جنگ حرکت و جوشش و دارد. فیلسوف و متفکر هر چقدر هم که بیندیشند و بنویسند، نمی‌توانند جامعه را به حرکت در آورند، مگر زمانی که هنرمند ایده را تبدیل به اثر هنری-اعم از فیلم، شعر، موسیقی، فیلم، نقاشی یا مجسمه- کند.

در ادامه برنامه از برتره دیگری از باقرخان تنگستانی اثر هنرمند جوان و پرتلاش دشتستانی، علی شفیق رونمای‌ی‌شد. او که دانش آموخته دوره کارشناسی رشته گرافیک از دانشگاه هنر اصفهان است درباره اثر و روش کارش توضیحاتی ارائه کرد و از چالش‌های مسیر پیش رو گفت. پس از وی عبدالله شاهینی، ریاست حوزه هنری به سخنرانی پرداخت و ضمن تشکر از همه استادان و هنرمندان حاضر، انگیزه برگزاری جلسه راهم‌نشینی و همکاری هنرمندان و مستندسازان دانست و مأموریت خود را پرداختن به مصلحت‌ها و گردهای کور و نقاط ضعف جامعه و تلاش برای حل‌شان دانست. وی افزود: معتقدیم این مسیر از تکیه بر عظمت‌ها و ظرفیت‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی ملت ایران و مردم جنوب و توجه دقیق و دردمنده‌ان به مناب و چالش‌های عینی می‌گذرد.

شاهینی افزود: مأموریت ما تسهیل هم‌نشینی و گردهمایی هنرمندان وغدغهمند، مسئله‌شناسان و کارشناسان درمند است و این مهم نه فقط در حوزه تاریخ، بلکه در تمام حوزه‌ها قابل انجام است.



## گزارش ۲

■ **محمد زنده‌بودی**

تاریخ برای امروز و فردای ما سرشار از معجزات خدام‌الحسین(ع) در کنارش در تاریخ زندگی انسان‌ها برای تفریح، ترقیح، گاه عبرت و گاه نه تنها برای تفریح عبرت است که یک ضرورت می‌شود. مطالعه تاریخ و هویت دینی و ملی ما، یکی از آن ضرورت‌هاست. هنرمندان، مسئله‌شناسان و کارشناسان استان بوشهر این بار حول یک مسئله تاریخی و ملی گرد هم آمده‌اند تا با ترسیم وضع گذشته ملت ایران، قدمی در تقویت هویت ملی و دینی بردارند و سهم خود را از بیان تاریخ بگیرند. ■ ■ ■

تاسوعای ۱۲۵۵قمری بوشهر از نقاط تلاقی تاریخ ملی و دینی ماست که به بیان دلآوری و بافشاری مردمان دیار بوشهر در مسیر حق می‌پردازد. رویداد «تاسوعای تاریخی بوشهر» بهانه‌ای برای رونمایی از آثار هنرمندان استان بوشهر بود که به مناسبت یکصدونودمین سالروز اخراج ژنرال بلندپایه انگلیسی از سوی مردم بوشهر، در روز تاسوعای سال ۱۲۵۵قمری، چهارشنبه چهارم مرداد ۱۴۰۲ در سالن حوزه هنری و به همت این نهاد و در همکاری با گروه رسانه‌ای- تحقیقی نخل و برنو برگزار شد.

اولین سخنران مراسم سیدحسین صافی، چهره ماندگار هنر استان بوشهر-سا بیان اینکه فعالان حوزه مستند در کنار تأمل عمیق به روش‌های ارائه واقعیت، خلق مضمون را هم در دستور کار قرار دهند و خلاقیات‌شان را در هر دو زمینه به کار گیرند، گفت: «تاریخ جنوب - و به ویژه استان بوشهر- آکنده از مقاومت در برابر متجاوزان است و از این منظر، منبعی بسیار غنی برای تولید آثار داستانی به شمار می‌رود.» پس از آن دو اثر نقاشی محمدعلی نادری با عناوین «تاسوعای تاریخی بوشهر» و «وردروو با شیطان» رونمایی شد و ایشان درباره آثارش توضیحات مختصری ارائه کرد. این آثار به واقعه تاریخی مهم و کمتر شنیده‌شده‌ای اختصاص یافته‌که در آن مردم بوشهر ژنرال بلندپایه انگلیسی، سر فردیک میتلند را با وضع خفت‌باری از ساحل کوتی اخراج می‌کنند

و سپس با حضور باقرخان و نیروهای تنگستانی، با سنگربندی اسکله از هجوم مجدد انگلیسی‌ها جلوگیری می‌کنند.

نادری به دغدغه‌های شخصی‌اش درباره هویت و تاریخ جنوب اشاره و اضافه کرد که پیش از این آثار از رانابر همین دغدغه شخصی تولید کرده بوده‌است اما این انگیزه‌ها، چالش‌های کارش پرداخت.



گاهی برخی نبردها برای یک برهه از جنگ سر‌نوشت‌ساز است. گاهی برای بقای یک پادشاه و گاهی برای بقای یک ملت و یک کشور... مقاومت جانانه باقرخان تنگستانی و نیروهایش در هر دو برهه در برابر تهاجم بریتانیایی‌ها از جنس آخرت‌ود تاریخ مادیون این رشادت‌ها و دلآوری‌هاست. در بخش بعد از برتره‌های شیخ حسن آل‌عصفور، باقرخان تنگستانی و شهید احمدخان تنگستانی، اثر هنرمند جوان اهل شهرستان جب، طاهر حق جو رونمای‌ی‌شد و وی در سخنان کوتاهی به این رشادت‌ها و دلآوری‌ها است